

# مقایسه دو مفهوم گردشگر و زائر

چکیده | زائر چه کسی است؟ گردشگر کیست؟ آیا زائر همان گردشگر است؟ وجوه اشتراک و افتراق این دو واژه کدامند؟ آیا زیارت نوعی گردشگری با علائق ویژه بوده یا پدیده‌ای متمایز و متفاوت است؟ گردشگری و زیارت اشتراکات و افتراقاتی دارند، اما جهان بینی و انگیزه‌های افراد، ماهیت ارتباط بین گردشگران، مذاهب و اماکن مذهبی مورد بازدید، نادیده گرفته شده است. اینکه چرا و چگونه گردشگران به اماکن دارای اهمیت مذهبی سفر می‌کنند و درک و هدفشان از سفر چیست، سؤالات مهمی هستند که نه تنها در مطالعه گردشگری، بلکه در مطالعه مذاهب و ادیان نیز مطرح می‌شوند. این مقاله با مقایسه مفاهیم فلسفی و بعضاً فرهنگی دو واژه گردشگر و زائر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات و تبیین چارچوبی منطقی است تا ارتباط و برهم‌کنش جهان‌شناختی و انگیزشی گردشگران و زائران را به عنوان پدیده‌های مشابه یا متفاوت بررسی کرده و به نتیجه روشن و قابل قبولی دست پیدا کند. همچنین تلاش می‌شود مبانی فلسفی و معناشناختی دو واژه زائر و گردشگر از جنبه‌های مختلف به ویژه رویکرد منظر به گردشگری مورد توجه قرار گیرند.

واژگان کلیدی | زائر، گردشگر، زیارت و گردشگری، تکریم، منظر گردشگری، حقیقت‌جویی.



کامران نیک‌نام، پژوهشگر  
دکتری مدیریت  
گردشگری، دانشگاه علم  
و فرهنگ

Niknam.Kambiz@yahoo.com

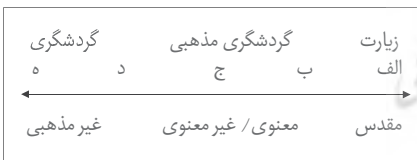
تصویر  
Pic1

تصویر ۱: حضور گردشگر بدون انگیزه‌های مقدس در فضایی مذهبی، نوعی خاص از گردشگری را تعریف می‌کند که بر گردشگر اثراتی در سطوح مختلف می‌نهد. مأخذ: www.shahrekhbar.com

Pic1: The presence of tourists in sacred spaces with no religious incentive defines a special kind of tourism that influences the tourists at different levels. Source: www.shahrekhbar.com



نمودار ۱. طیف زائر / گردشگر، مأخذ: Smith, 1990. Diagram 1. Spectrum pilgrims / tourists, Source: Smith, 1990.



می‌دانند. برخی دیگر، با اشاره به شباهت‌های میان زیارت و گردشگری، این دورا پدیده‌ای متفاوت قلمداد می‌کنند. به عقیده «مورینیس»، زائر با انگیزه‌های مختلف شناخته می‌شود و مسافرانی که به زیارت می‌پردازند در طیفی از «سرسپرده» تا «سرگردان» طبقه‌بندی می‌شوند (Morinis, 1997). زیارت و گردشگری در دو قطب مقابل یک طیف قرار دارند، دو سر طیف را زیارت (تقدس) و گردشگری تشکیل می‌دهند، درحالی‌که در مرکز طیف، نوع جدیدی از گردشگری ظاهر می‌شود: گردشگری مذهبی معنوی و غیر معنوی (Smith, 1990); (نمودار ۱).

نمودار مشابه دیگری توسط کالینز و البوت مطرح شده است که در آن، پنج نوع کلی مسافران به اماکن مقدس شناسایی شده‌اند (Kaszowski, 2000):  
 ۱. زائران پرهیزگار ۲. بیشتر زائر تا گردشگر ۳. زائر / گردشگر

درونی خویش، به سوی گمشده خود بار سفر بتدد. تنها در این صورت است که می‌توان از ورطه روزمرگی سربلند بیرون آمد و به قول توماس مرتون:  
 «ما می‌توانیم آنچه نیاز داریم را ببینیم و آنچه باید ببینیم را پیدا کنیم» (McIntosh & Zahra, 2007).

**فرضیه | واژه‌های زائر و گردشگر دارای مضامین مفهومی متمایز و حتی متناقض هستند که این امر ناشی از خصوصیات ماهوی و فرهنگی منحصر به فرد آنهاست.**

**سفرهای زیارتی و گردشگری: شباهت‌ها، تفاوت‌ها**

زمانی که افراد از روی کنج‌کاو به نقاط گوناگون سفر کرده و از اماکن مقدس بازدید می‌کنند، زائر تلقی نمی‌شوند، بلکه این سفر باید با قصد و تمایل عبادت صورت گیرد (Rus - sel, 1999). برخلاف این نظریه، برخی دیگر معتقدند تفاوت چندانی بین زیارت و گردشگری وجود ندارد. برخی گردشگری را زیارت مدرن تلقی می‌کنند که با اهداف گوناگونی چون فراغت و تفریح صورت می‌گیرد. شمار دیگری، گردشگری را عبادت جامعه مدرن و گردشگر را زائر علاقه‌مند به مشاهده اماکن مقدس و محل حضور نیروهای ماوراء الطبیعه

مقدمه | هرگاه سخن از گردشگری و تجربه سفر به میان می‌آید، مفهوم زائر و زیارت نیز به ذهن خطور می‌کند. امروزه گردشگری مذهبی به یکی از رایج‌ترین انگیزه‌های سفر تبدیل شده است و طبق پیش‌بینی، سالیانه حدود ۲۵۰ میلیون گردشگر اعم از مسلمان، مسیحی و هندو به دلایل مذهبی و زیارتی به سفر می‌پردازند (Jackowski, 2000). با اینکه گردشگری مذهبی و زیارتی به عنوان یکی از شاخه‌های گردشگری کمتر مورد مطالعه قرار گرفته، اما افزایش سفرهای زیارتی با روند گسترش گردشگری همگام بوده است (Oden, 1995). گردشگری و زیارت ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، اما در عصر حاضر ارتباط بین گردشگران، مذاهب و اماکن مذهبی مورد بازدید، مورد غفلت قرار گرفته است. یکی از وجوه تمایز زیارت آن است که با انگیزه ایجاد نوعی تغییر (تحول معنوی) و با این اعتقاد که این تغییر را می‌توان در اماکن مذهبی جستجو کرد، صورت می‌گیرد، اما گردشگری به لحاظ کارکردی و اجتماعی متفاوت است. تفاوت‌هایی بین سفر در مفهوم گردشگری و زیارت وجود دارد. زیارت سفری است که از مبدأ به یک مکان مقدس و ترجیحاً دور با هدف غنی‌سازی معنوی صورت می‌گیرد. ندای درونی به آدمی حکم می‌کند هر چند وقت یک بار، کوله بار خویش را بسته و در پی مراد

نگرش و جهان بینی انسان ها و انگیزه حقیقت جویی شان مبنای کنش و بینش افراد است و آنها را وادار به بستن کوله بار سفر و کشف ناشناخته ها می کند. زائران و گردشگران، نقش آفرینانی هستند که درک و تفسیر مشابه و متفاوتی دارند. رویکرد منظر به گردشگری می تواند این پدیده را از فعل مبتنی بر جابجایی در گستره فضا و مکان به یک معرفت و جلوه تعالی بخش دارای ظرفیت ویژه تبدیل کند که لازمه آن، حضور در مکان برای تجربه معنایی است که انسان ها در آن زیسته اند.

یا گردشگران مذهبی ۰۴ بیشتر گردشگر زائر ۰۵. گردشگران غیر مذهبی شباهت های میان این دو پدیده، شامل جابجایی و تغییر موقت محل اقامت، سفر به مقصدهای تعیین شده و کسب ایده های جدید است؛ با این حال ویژگی های گردشگری، زیارت و فعالیت های انجام شده در سفر و یا در مدت اقامت متفاوت است. آنها پنج تفاوت اساسی بین زائر و گردشگر ذکر کرده اند که عبارتند از:

- \* زائران ابعاد باطنی زیارت را درک می کنند؛
- \* زائران از خود مایه می گذارند (ایثار می کنند)، در صورتی که گردشگران از سرسپردگی پرهیز می کنند؛
- \* موضوع حائز اهمیت برای زائر این است که در اثر زیارت تحت تأثیر قرار گیرد، اما گردشگر درصدد آن است که با استفاده از منابع و تجربه هایش مصون بماند؛
- \* برای زائر، نفس سفر و تشریف به مقصد اهمیت دارد، در حالی که برای گردشگر، صرفاً نفس ورود به مقصد حیاتی است؛
- \* برای شخص زائر، اجتماع و شکل گیری آن عنصر کلیدی است در حالی که برای گردشگر، آرمان اساسی و هدف ضروری محسوب نمی شود.

جهت آشنایی با دیدگاه گردشگر نسبت به موضوع سفر و ورود به مقصد با پرسش هایی روبرو خواهیم شد:

– آیا گردشگران زمان، انرژی و علاقه ای به تدارک معنوی (درونی) برای سفر دارند؟

– آیا گردشگران تمایلی به تفکر درباره (چرایی و چیستی) مسافرت دارند؟

محصول گردشگری فراتر از دارایی سرمایه ای بوده و شامل پویانمایی، تحلیل و مشارکت است. به عبارتی محصول باید معنادار، متمایز و متعالی باشد. در این بین، زیارت و گردشگری دارای مبنای بعضاً مشترک و نتایج ادراکی و شناختی غالباً متفاوت و حتی متضاد هستند. زائر، گردشگری است که عوامل مذهبی یا روحانی، مهم ترین انگیزه های سفر وی هستند. سفرهای زیارتی به عنوان نوعی گردشگری خاص یا همان گردشگری با علائق ویژه نیز شناخته می شوند (تصویر ۱).

### زیارت، گردشگری و حقیقت جویی

مسئله کلیدی این است که هم زائر و هم گردشگر در جهت حقیقت جویی گام برمی دارند. کنجکاوی و کمال طلبی از ویژگی های فطری انسان است. گاهی از کمال به قدرت و جمال دنیوی و مادی تعبیر می شود، با این حال نگرش زائران و گردشگران به این موضوع متفاوت است. زائر معتقد است با رهسپاری و زیارت اماکن مقدس و متبرکه می توان به معبود ازلی و ابدی نزدیک تر شد، در حالی که زاویه دید گردشگر متفاوت است و به عقیده او با مشاهده جلوه های آفرینش و جاذبه های گردشگری می توان به عظمت و قدرت حق پی برد. اکثر تعاریف گردشگری کاربردی بوده و دایماً تکرار می شوند و بعد فلسفی ندارند. در اینجا کلیدواژه ای به نام کل مطرح می شود، یعنی اجزایی که با هم تلفیق شده و کل واحد را به وجود می آورند (هویت و حقیقت). یک کل چیزی بیش از مجموع اجزایش است و کشف روابط و نظم بین پدیده ها از طریق نگاه کل نگرانه حاصل می شود. انسان در جریان گردشگری واقع می شود تا علم و بینشش گسترش یابد. بینش او مسیر و روند حرکت را مشخص کرده و نگرش کلان را به وجود می آورد و دانش، قدرت و توان حرکت را به وجود آورده و ابزار تحول را فراهم می کند. اینکه انسان اعم از گردشگر و زائر، به عنوان حقیقت جو و کمال طلب چگونه به کعبه آمال خود دست می یابد و یا از حقیقت محروم می ماند، به تلاش و اراده خدا جوی او بستگی دارد:

: «لیس للانسان الا ما سعی» (سوره نجم، آیه ۳۲).

### تکریم اجتماع و منظر گردشگری

زائران علاوه بر خود، به تکریم هموعان و هم سفران نیز مبادرت ورزیده و ارزش و جایگاه اجتماعی خاصی به دست می آورند. زائران را متفاوت از گردشگرانی تلقی می کند که با انگیزه و اهداف تفریح به سفر می پردازند و اعتقاد دارد علائق زائران متفاوت از علائق گردشگران است. به عبارت دیگر عنصر خودخواهی در گردشگران ملموس تر است، در صورتی که زائران از خود می گذرند تا به خدا رسند (تصویر ۲).

کشف و تحلیل منظر گردشگری امری پیچیده و شگرف نیست؛ زیرا متعلق گردشگری نه عین است و نه ذهن، بلکه ترکیبی از آنهاست. مؤلفه های دخیل در پدیده های فرهنگی شامل زیارت و گردشگری با هم ارتباط تنگاتنگی دارند. تحلیل این مؤلفه ها و آرمان های انسانی به کشف حقیقت کمک شایانی می کند. بخش اعظم متعلقات گردشگری، مربوط به منظر بوده و یکی از اهداف گردشگری، ارتقاء دانش و بینش افراد است. در گردش فرد به دنبال چیست؟ آگاهی از سرنوشت اقوام و ملل یا مطالعه آفاق و انفس یا حقیقت جویی؟ مهم این است که زائر یا گردشگر بداند چه چیزی را ببیند و چگونه ببیند تا با اتکاء به تجربه، درک و تعریف مناسبی از واقعیت ها داشته باشد.

گردشگری به منزله گنجی است که چه بیابیم و چه نیابیم به دنبالش خواهیم رفت، اما باید به یاد داشته باشیم گنج واقعی شاید در درون ما و حتی زیر پایمان باشد... هم گردشگران و هم زائران به دنبال آمال و ایده آل های خود هستند و مسئولیت بیشتری ندارند. برای آنها چرایی و چیستی ها اهمیت دارد، زیرا متعلق گردشگری، منظرهای گوناگونی را در بر می گیرد که روایت گر تاریخ و تمدن بوده و در نتیجه جهان بینی و ذهنیت گردشگر در رمزگشایی آن دخیل است.

رویکرد منظر به گردشگری می تواند آن را از یک فعل مبتنی بر جابجایی در مکان، به یک معرفت (بینش) دارای ظرفیت ویژه مبدل کند. در این صورت گردشگر نیز مانند زائر علاوه بر آنکه با حرکت در مکان تعریف و شناخته می شود، واجد شرایط اثباتی خواهد شد که عبارت است از تجربه معنایی که انسان ها (مسافران) در آن زیسته اند. ابزار این تجربه، حضور در مکان است که از طریق سفر تحقق می یابد.

سیروسفر، به لحاظ دنیوی و اخروی حائز اهمیت است و فرد مسافر اعم از گردشگر یا زائر، قدم در وادی

خودشناسی، هستی‌شناسی و درنهایت خداشناسی می‌نهد که البته مبتنی بر انگیزش و کسب فضایل و بهبود معرفت و بینش است. زائر (گردشگر) بودن به معنای پذیرش هویتی توأم با خطر و روی آوردن به جلوه‌های باری تعالی است. زائر یا گردشگر مشتاقانه به سرمایه‌گذاری در مسیری می‌پردازد که انتظار دارد او را در گذر از زندگی ظاهری (ذهنی) به زندگی باطنی (معنوی) یاری کند. این همان روح حقیقت‌جویی و خداشناسی است که بشر جستجوگر و کنجکاو را مسحور خود ساخته و چه با عنوان گردشگر و چه با عنوان زائر او را هدایت می‌کند و به پیش می‌برد. لذا، شخص باید خویشتن را از پیش‌فرض‌های خودساخته و نادرست رها کند و بتواند در اثر آن به معرفت عمیق و روح حقیقت (تجربه معنا) دست یابد.

انسان در گردش (سفر) به معرفتی کلی دست می‌یابد و فضای گردشگری اعم از تفریحی یا زیارتی زمینه را برای ادراکات کل‌نگر فراهم می‌کند. به این معنی که می‌توان روابط پدیده‌ها را با هم شناخت و کل‌های

عالم هستی را مشاهده و ادراک کرد. کلیات، اجزای تودرتویی بوده که هرکدام نسبت به کل بالاتر، یک جزء هستند (مادی، غیر مادی یا مرکب). گردشگری و زیارت پدیده‌هایی هستند که هیچ‌یک صرفاً در برگیرنده یکی از مؤلفه‌های مادی و غیر مادی نیست، بلکه بیان‌گر کلیاتی است که از ترکیب این دو حاصل می‌شود، از این رو در قرآن کریم نیز توصیه شده است: «در زمین سیر کنید، پس بنگرید تا عاقبت طوایف پیش از خود که اکثرشان (کافر و) مشرک بودند چه شد؟» (سوره روم، آیه ۴۲).

وقتی از شیء فلسفی یا پدیده‌ای شناخت قبلی نداشته باشیم، در مواجهه با آن جزئیات را ادراک می‌کنیم (چیستی شیء). اما وقتی از شیء فلسفی یا پدیده‌ای شناخت قبلی داشته باشیم، در مواجهه با آن کلیاتی را درک می‌کنیم که ناشی از تجربه و درک پیشین است (چرایی شیء) و این شیء ما را به یک مفهوم بالادستی (حقیقت) رهنمون می‌سازد. هدف غایی سفر (گردشگری زیارت)، دانایی و درک حقیقت

بوده و بینش و دانش حاصل گامی ارزنده در مسیر کمال است. برای کسی که جهان بینی عرفانی دارد، دنیا و مظاهر آن یک کل معنا دار است که هدفی دارد. مقصود مسافر چه زائر و چه گردشگر، نیل به حقیقت و کشف رموز آفرینش است: هرکسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

گردشگری و زیارت با وجود دربرگرفتن مفاهیم متفاوت و بعضاً متضاد، همپوشانی‌هایی نیز دارند. ممکن است گردشگرانی باشند که دارای تجربیات و نگرش مشابهی با زائران هستند و یا زائرانی باشند که از گردشگران قابل تفکیک نیستند. اما مسئله اصلی این است که بعضاً فعالیت‌ها و اقدامات افراد اعم از دسته اول و دسته دوم، انعکاس روح حقیقت‌جویی‌شان محسوب شود، زیرا کنجکاوی، کمال‌طلبی و کشف حقیقت، جزء خصوصیات ذاتی انسان‌ها بوده و باینکه ماهیت حرکت و نگرش آنها متفاوت است، اما هدف واحدی را دنبال می‌کنند که همانا تقرب به خدا و مشاهده جلوه‌های قدرت الهی است.

**نتیجه‌گیری | هرگاه سخن از گردشگری**  
و مسافرت به میان می‌آید، مفهوم زیارت نیز به ذهن خطور می‌کند. علی‌رغم ارتباط این دو مفهوم، نمی‌توان به راحتی آنها را یک مقوله واحد تلقی کرد، بلکه تفاوت‌ها و کارکردهای خاص آنها را باید مورد توجه قرار داد. یکی از این تفاوت‌ها را باید در قالب جهان بینی و انگیزه سفر جستجو کرد که فرد را به سمت اعمال خاصی سوق می‌دهد و موجبات آرامش روحی و رضایت خاطر او را فراهم می‌آورد.

سوق می‌دهد. این شکل از گردشگری، قرابت و شباهت زیادی با زیارت دارد. به عبارت دیگر، زمانی که فرد به دیدن جاذبه‌های گردشگری می‌رود و سفر او صرفاً سرگردانی در میان مکان‌ها نیست، نوعی زائر محسوب می‌شود که حقیقت‌جو است و از این طریق به مشاهده و تکریم جلوه‌های قدرت الهی می‌پردازد و به آرامش معنوی (روحانی) نایل می‌شود. متعلق گردشگری، منظر گردشگری است؛ منظری که روایت‌گر تاریخ بوده و ذهن و باورهای گردشگر نیز در رمزگشایی آن دخیل است و ادراکات و دستاوردهای او را تعیین می‌کند.

در مفهوم و جهان بینی مفعولی، سیاحت و گردشگری وسیله‌ای برای کسب لذت و سرگرمی است، اما حقیقت‌جو نیست و صرفاً بر جابجایی و تغییر مکان تکیه دارد، نه بر تجربه و ادراک و معرفت‌اندوزی.

ذهن گردشگر در رمزگشایی منظر دخیل نیست، بلکه در بهترین حالت بستری برای شناخت قدمت و تعلقات و پیوند با هم‌کیشان و اقوام است. این شکل از گردشگری، ماهیت متفاوتی با زیارت دارد و حتی در تضاد با آن است. این دسته از گردشگران اساساً نسبت به مظاهر و منابع مصنوعی و خدادادی نگرش مادی و منفعت‌طلبانه داشته و تنوع‌طلبی در کسب لذایذ دنیوی (مادی)، مبنای جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌هایشان است. تلاش و هیاهوی بشر امروزی برای کسب آرامشی است که تصور می‌کند بدین‌سان فراهم خواهد شد. به هر ترتیب عالم، محضر خداست و دل‌های مشتاق جز یاد حضرت دوست آرام نمی‌گیرند. با در نظر گرفتن شواهد و استنادات مطرح‌شده و مقایسه جهان بینی و اولویت‌ها و نگرش‌های گردشگران و

زائران، مشخص شد عوامل و انگیزه‌هایی که گردشگر و زائر را در میانه طیف قرار می‌دهند (آنها را به هم نزدیک می‌کنند: تشابه)، نسبت به عوامل و انگیزه‌هایی که مفاهیم گردشگر و زائر را در دو نقطه مقابل طیف قرار می‌دهند (آنها را از هم دور می‌کنند: تضاد)، کمتر یا بیشتر نیست، بلکه بسته به جهان بینی و میزان حقیقت‌جویی و خدادوستی افراد، در نوسان خواهد بود. نتیجه نهایی اینکه، فرضیه مقاله به طور مطلق درست یا غلط نیست، بلکه عوامل فردی، اجتماعی، معرفتی و ادراکی در آن تأثیر دارد و بدین جهت باید آن را امری نسبی قلمداد کرد که ملزومات خود را می‌طلبد و به عبارتی:

هرکسی از ظن خود شد بار من

لیک از درونم نجست اسرار من

آیا بهتر نیست آسمانی فکر کنیم و زمینی عمل کنیم؟



تصویر ۲  
Pic2



### Reference list

- Jackowski, A. (2000). *Religion Tourism: Problems with terminology*. In A. Jackowski (ed). Krakow: Jagiellonian University.
- Kaszowski, L. (2000). Methodology of Pilgrimage-Peregrinus. *Cracoviensis*, (10): 75-82.
- McIntosh, A. J., & Zahra, A. (2007). A cultural encounter through volunteer tourism: Towards the ideals of sustainable tourism? *Journal of Sustainable Tourism*, 15 (5): 541-556.
- Morinis, A. (1997). *Introduction: the territory of the Anthropology of Pilgrimage*. In A. Morinis. Ed. Sacred journeys: the anthropology of pilgrimage, Westport. CT: Greenwood Press.
- Oden, W. (1995). Adventure in Colorado. *Colorado Business Magazine*, 22 (5): 56-61.
- Russell, P. (1999). Religious Travel In the new millennium. *Travel and Tourism Analyst. The Economist Publications Limited* (5): 39-68.
- Smith, G. (1990). A New Species of Tourism. *Americas*, 42 (6): 17-20.

# Comparison of Tourist and Pilgrim Concepts

Kambiz Niknam, Ph.D Candidate in Tourism Management,  
University of Science and Culture, Iran.  
Niknam\_Kambiz@yahoo.com

**Abstract** | Who is a pilgrim? Who is a tourist? Is the pilgrim the same as tourist or do they differ? What are the differences and similarities of these two words? Is pilgrimage a kind of tourism with special interests or distinct and different phenomenon?

In spite of similarities and distinctions between tourism and pilgrimage and the individual's ideology and motivation, the nature of tourists' relationship, religions and spiritual places have been ignored.

In this article, we are trying to answer these questions by philosophic comparison of these two cultural concepts, as well as analyzing and explaining logical framework of ideology and motivation of the tourists and pilgrims as different or similar phenomena to reach an acceptable conclusion.

The words tourist and pilgrim contain different and contradictory concepts due to their exclusive cultural and natural specifications.

The key issue is that pilgrimage and tourism are the subject of truth. Discovering and analysis of tourism is not a complex and a prodigious matter since tourism belonging is not objective, nor subjective, but is the composition of both. As a result, the approach to tourism can change from movement by locations to a knowledge oriented capacity.

In subjective concept and unlike objective one, tourism is a kind of knowledge acquisition and a background for approaching the God, searching the truth and so forth.

The final result is that the hypothesis is not absolutely true or false; but individual, social and perceptual (ideological) factors directly influence it and so it is proportional matter which demands its own essentials.

**Keywords** | Pilgrim, Tourist, Pilgrimage and tourism, Respect, Perspective approach to tourism, Reality.

تصویر ۲: انگیزه معنوی زائران آنها را برای اهدافی چون تفریح و گردش به رفتن به اماکن مقدس راهنمایی می‌کند؛ انگیزه‌ای که برای سایر گردشگران قابل درک نخواهد بود. مأخذ: [www.mashhadnews.org](http://www.mashhadnews.org)

Pic2: Spiritual stimulus of pilgrims motivates them behind recreation and promenading goals which cannot be comprehensible by other pilgrims.  
Source: [www.mashhadnews.org](http://www.mashhadnews.org)